

وحدت ملی یا مشکل اساسی

اگرچه بعد از غصب قدرت توسط گروه خلق در افغانستان و بوجود آمدن تنظیم های مجاهدین، عدم اعتماد و اختلافات زیاد در بین تنظیم های جهادی و در بین دیگر گروه ها و احزاب موجود بود و سبب کشته شدن تعداد زیاد افغانها و ضعف وحدت ملی گردیده بود اما باوجود آن هم، همه تنظیم های اسلامی و مردم مسلمان افغانستان در مقابل عساکر شوروی و نوکران افغانی شان میجنگیدند و وحدت ملی در افغانستان از بین نرفته بود.

بعد از کامیابی مجاهدین و اخراج قوای روسی، اختلافات سابقه بعضی رهبران مجاهدین، قوماندانان جهادی و تنظیم ها از يك طرف و قدرت طلبی آنها و مداخله کشور های خارجی و همسایه از طرف دیگر، اختلافات و تعصبات قومی، مذهبی، لسانی و سمتی را شدید تر ساخت و جنگ های فرقه ای آغاز شد که بعداً به جنگ های قومی و سمتی تبدیل گردید و سبب دشمنی های قومی، از بین رفتن وحدت ملی، ضعف داخلی، مداخله خارجی و از بین رفتن حاکمیت ملی و استقلال کشور گردید. بهر صورت از بین بردن وحدت ملی خیانت ملی است و اگر احیاء نشود خطر تجزیه کشور هر لحظه موجود میباشد. مرتکبین این خیانت ملی را هر افغان میشناسد و نام شان در تاریخ کشور ثبت میباشد.

همانطوریکه وحدت ملی یعنی اتحاد و وحدت در بین اقوام يك کشور سبب تقویه کشور، بوجود آوردن رهبری واحد، دولت مرکزی قوی، امنیت و آرامی میشود و جلو مداخله خارجی را میگیرد، بر همین ترتیب اختلاف و نفاق در بین اقوام و گروه هاسبب ضعف ملت، از بین رفتن وحدت ملی، رهبری واحد، دولت مرکزی و بالاخره مداخله کشور های خارجی میشود.

به سبب مهم بودن وحدت و اتحادداوند (ج) در قرآنکریم در چندین جای بندگان را به اتحاد و همبستگی امر میکند و نفاق و اختلاف منع مینماید و نقص اختلاف و نفاق را که ضعف و تباهی میباشد و مفاد اتحاد و اتفاق را که قوت و کامیابی است به بندگان واضح میسازد.

همان طوریکه در بوجود آمدن اختلاف و از بین بردن وحدت ملی، بعضی رهبران تنظیم ها، بعضی قوماندانان جهادی و احزاب رول اساسی را بازی کردند و رول افراد عادی جامعه بصورت انفرادی کمتر بود به همین ترتیب در بوجود آوردن اتحاد و وحدت ملی هم رول رهبران تنظیم ها و بزرگان قومی زیاد تر است و افراد عادی بصورت انفرادی نمیتوانند در بوجود آوردن وحدت ملی رول اساسی را بازی نمایند مخصوصاً وقتیکه رهبری واحد هم وجود نداشته باشد و قدرت همه در دست تنظیم ها و احزاب باشد.

اگر تمام مشکلات موجوده کشور بصورت دقیق مطالعه شود منشأ و اساس همه آنها از الف تا یا، بشمول مداخله کشور های همسایه و اشغال افغانستان توسط قوای خارجی، بی اتفاقی و عدم موجودیت وحدت ملی و رهبری واحد میباشد. بنا براین از بین بردن تمام این مشکلات باید وحدت ملی احیاء گردد. قیام ملی و ظهور يك رهبر یا قائم ملی که وحدت ملی را احیاء نماید در شرائط فعلی افغانستان که برادر به برادر اعتماد ندارد و تمام قدرت در دست تنظیم ها و گروه ها می باشد که با هم دشمنی های عمیق داشته و فوق العاده از حمایت کشور های خارجی هم برخوردار هستند، بکلی ناممکن میباشد.

و یگانه راهی که باقی میماند این است که همین رهبران، قوماندانان و سران تنظیم ها و گروه ها که در بین قوم و مردم خود اعتبار دارند و قدرت اقتصادی هم بدست شان است و اکثریت قشر فعال ملت را تشکیل میدهند و وحدت ملی را هم همین ها بصورت ارادی یا غیر ارادی از بین برده اند، شهادت اسلاف خود استاد ربانی، قومندان مسعود، مزاری و دیگران را که به جز کفن، مال و ثروت را ازین دنیا با خود نبردند بخاطر بیاورند و با کمی تفکر نفس های خود را تغییر دهند و با يك احساس انسانی، اخلاقی، دینی، و بالاخره ترس از روز قیامت و جواب دادن به حضور خداوند(ج)، خود خواهی تکبر و قدرت طلبی را کنار گذاشته تنظیم ها و احزاب خود را به منظور بوجود آوردن وحدت ملی منحل نموده، خود شان خود را خلع سلاح و قوم و مردم خود را به اتحاد و اتفاق دعوت و رهنمائی نمایند و زمینه را برای بوجود آمدن يك رهبر ملی، وحدت ملی و دولت مرکزی مستقل و آزاد مساعد بسازند که درین صورت هم خداوند(ج) از آنها راضی خواهد شد و هم مردم آنها را خواهند بخشید و هم در تاریخ نام شان جاویدان باقی خواهد ماند.

و اگر خدا نا خواسته هنوز هم به عقل نیابند و از سرنوشت گذشتگان عبرت نگیرند و از روز قیامت، و حاضر شدن در میدان محشر هم ترس نداشته باشند، یگانه راهی که باقی میماند این است که خداوند(ج) این فرعونان را هم به سرنوشت فرعون و لشکرش گرفتار نماید و ملت افغان را از شر آنها نجات دهد.

اگر چه به نظر بعضی افغانها، آقای کرزی و هواداران شان وحدت ملی در کشور موجود است و علاوه از اینکه از بین نرفته بلکه تحکیم نیز یافته است، اما این اشخاص شاید همین ائتلاف چند تنظیم و گروه را که برای بقای خود از روی مجبوری به اساس فشار خارجی با هم ائتلاف نموده اند، وحدت ملی بنامند و اختلافات قومی، مذهبی، لسانی و سمتی را که ریشه عمیق دارد و فعلاً موجود است نا دیده بگیرند.

عاقبت این اختلافات و عدم موجودیت وحدت ملی خیلی خطر ناک بوده و در اکثر کشور ها مخصوصاً در کشور های افریقائی سبب تجزیه کشور ها گردیده است. بناً برای رفع این مرض تباہ کننده که به ضرر همه اقوام و فرد فرد ملت افغان می باشد و به هیچ فردی مفادی ندارد باید هر چه زود تر اقدام گردد.

بعضی ها قوای خارجی را اساس تمام بد بختی ها میدانند و خروج آنها را تقاضا میکنند. جای شك نیست که قوای خارجی در بوجود آوردن این بد بختی ها و از بین بردن وحدت ملی رول دارند اما اگر قوای خارجی قبل از تامین وحدت ملی و تشکیل يك دولت مرکزی قوی از افغانستان خارج شود در آنصورت این ائتلاف فعلی که به اثر فشار کشور های خارجی بوجود آمده به بسیار زودی از بین خواهند رفت و همین گروه ها که فعلاً بنام اردوی ملی از امتیازات عسکری برخوردار هستند با اسلحه که فعلاً دارند و کشور را به گدام و انبار اسلحه تبدیل نموده اند چنان به جان هم خواهند افتاد که جنگها و خرابی های گذشته فراموش خواهد شد.

بهر صورت وحدت ملی در کشور وجود ندارد و تا وقتی که این تنظیم ها و احزاب با رهبران شان موجود باشند وحدت ملی بوجود آمده نمی تواند. هر افغانی که در مورد احیاء وحدت ملی و حل مشکلات فعلی فکر میکند و یا راه حلی را پیشنهاد مینماید باید جنبه عملی آن را با شرائط موجوده افغانستان، مداخله کشور های خارجی و علت از بین رفتن وحدت ملی قبلی در نظر بگیرد تا برای حل این مشکل اساسی راه حل عملی پیدا گردد.

پایان